

هدیه ملا احمد نراقی به فتحعلی شاه

فتحعلی شاه از ملا احمد که بزرگترین شخصیت علمی و مرجع شیعیان ایران بود، درخواست کرد که رساله‌ای را تألیف کند تا به دستورات آن عمل شود...



فتحعلی شاه از ملا احمد که بزرگترین شخصیت علمی و مرجع شیعیان ایران بود، درخواست کرد که رساله‌ای را تألیف کند تا به دستورات آن عمل شود، ملا احمد به دلیل تمایل شاه رساله «وسيلة النجاة» را در دو مجلد نوشت و به او هدیه کرد. خبرگزاری فارس: رساله‌ای که «ملا احمد نراقی» به فتحعلی شاه هدیه کرد

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، بیست و سوم ربیع‌الثانی سال 1245 هجری قمری، سالروز رحلت بزرگمردی به نام «ملا احمد نراقی» است. وی در چهاردهم جمادی الثانی سال 1185 یا 1186 هجری قمری مطابق با سال 1150 شمسی در عهد سلطنت فتحعلی شاه قاجار در نراق از توابع کاشان متولد شد.

ملا احمد نراقی دوران نوجوانی و جوانی خود را در شهر کاشان و در محضر پدر بزرگوارش محقق نراقی به تحصیل دوره‌های مقدمات، سطح و خارج گذراند. او از همان ابتدا با استعداد قوی و همت عالی و ذهن توانایی که داشت به سرعت مدارج علمی را طی نموده و در واقع ملا احمد نراقی 15 سال از ایام نوجوانی و جوانی‌اش را نزد پدر تحصیل کرد خود شروع به تدریس کرد.

وی در سال 1205 قمری به درجه اجتهاد نائل شد و همراه پدر بزرگوارش به عتبات عالیات مشرف و مراتب عالی تحصیلات حوزوی را در آنجا گذراند و به اتفاق پدر در درس آقا محمد باقر وحید بهبهانی شرکت کردند. سپس به ایران (کاشان) بازگشتند. و به دلیل وفات پدر گرامی‌اش به جای ایشان مسئولیت اداره حوزه علمیه و تدریس در آنجا را بر عهده گرفت.

جنگ بزرگ بین روسیه و ایران در سال‌های 1222 و 1241 قمری که منجر به دو عهدنامه گلستان و ترکمان‌چای شد از حوادث زندگانی وی به شمار می‌رود.

از دیگر حوادث زندگی ملا احمد نراقی، قتل محمد خان قاجار در سال 1212 قمری است فتحعلی شاه که پس از او به حکومت رسید با توجه به ایمان دینی مردم و از باب مصلحت و برای مشروعیت دادن به حکومتش به دنبال جلب نظر علما بود هنگام جلوس بر تخت سلطنت از «شیخ جعفر نجفی» معروف به «کاشف الغطاء» که از بزرگان فقها در زمان او بود اجازه گرفت و سپس از ملا احمد که بزرگترین شخصیت علمی و مرجع شیعیان ایران بود درخواست کرد که رساله عملیه‌ای را تألیف کند تا به دستورات آن عمل شود ملا احمد به دلیل تمایل شاه رساله «وسيلة النجاة» را در دو مجلد نوشت و به او هدیه کرد.

پس از فرار نیروهای ایرانی در جنگ سال 1219 و 1228 و به اشغال در آمدن بعضی از مناطق ایران به وسیله نیروهای روسی و ظلم و اجحاف آنان به مردم علمای بزرگی همچون سید محمد مجاهد (متوفای 1242 قمری) و ملا احمد سید نصر الله استرآبادی، سید محمد تقی قزوینی، به دربار شاه رفته و از او خواست که آنها را بیرون کند از این رو فتوی به جهاد داد و گفت هر کس از جهاد روی برگرداند گناه کرده و از شیطان تبعیت کرده است.

در نتیجه تلاش علما، شاه به جمع آوری نیرو و جنگ با آنان پرداخت اگر چه در ابتدا ایرانیان پیروز شدند و آنان را بیرون کردند اما به دلیل کمبود تجهیزات جنگی نیروهای ایرانی شکست خوردند و در نتیجه معاهده ترکمان‌چای به ایران تحمیل شد.

اگر چه در این جنگ ایرانیان موفق نشدند اما تلاش و مقاومت آنها با عده و تجهیزات کم در طول تاریخ به عنوان سند افتخاری از مقاومت این مردم و تلاش علمای آگاه در برابر تهاجم بیگانه باقی ماند.

* وقتی دلبستگی درویش به کشکولش او را از زیارت سیدالشهدا(ع) باز می‌گذارد

حکایتی از مرحوم فاضل نراقی در کتب تاریخی آمده است که: درویشی، نام ملا احمد نراقی و تعریف کتاب معراج السعاده او را شنیده و به شدت مرید و شیفته وی شده بود. به همین سبب روزی درویش به قصد زیارت ملا احمد نراقی وارد شهر کاشان می‌شود و چون دستگاه ریاست، رفت و آمد و مراجعه مردم را به وی می‌بیند، اندکی از ارادتش نسبت به ملا احمد کاسته

می‌شود. از سوی دیگر ملا احمد نراقی هم در دیدارهایی که با درویش انجام می‌دهد متوجه این موضوع می‌شود.

بعد از چند روزی درویش می‌گوید که تصمیم دارد به کربلا برود.

ملا احمد در جواب می‌گوید: چه بهتر که من هم چنین قصدی داشتم. پس صبر کن تا با هم حرکت کنیم. در این جا درویش می‌پرسد، چند روز باید صبر کنم تا شما آماده شوید؟ جواب می‌شوند: همین الان مهیا هستیم. سپس با هم این سفر را آغاز می‌کنند.

وقتی به چند فرسخی قم می‌رسند به خاطر رفع خستگی در کنار چشمه‌ای اتراق می‌کنند در اینجا درویش می‌گوید: کشکول خود را در خانه شما جا گذاشته‌ام. نراقی می‌فرماید: این که چیزی نیست وقتی از سفر بازگشتیم، آن را تحویل می‌گیری. او قبول نمی‌کند و می‌گوید: من به این کشکول خیلی علاقه‌مندم. ملا احمد سؤال می‌کند: آیا نمی‌توانی مدتی بدون کشکول باشی؟ او جواب می‌دهد: من تبر زین خودم را می‌خواهم و آماده بازگشت به کاشان می‌شود.

در این هنگام آن فقیه زاهد و پارسا می‌فرماید: ای درویش! من به آن ریاست و مقام و منزلتی که در کاشان دارم، اینقدر وابسته نیستم که تو به این کشکول خود وابسته‌ای؟!

* تألیفات

مرحوم علامه ملا احمد نراقی، در علوم متعدد دارای تألیفات بسیار است که برخی از آثار گرانبهای این استاد بزرگ به شرح ذیل است:

در فقه: مستند الشیعه فی احکام الشریعه، هدایة الشیعه الی احکام الشریعه: فتاوی ملا احمد نراقی پیرامون مسائل فقهی، وسیله النجاه، تذکره الاحباب، خلاصه المسائل، مناسک حج و رساله در عصیر عنبی.

در اصول فقه: مناهج الأحکام فی الاصول، اساس الأحکام، مفتاح الأحکام، عین الأصول، حجه المظنه و عوائد الایام: مجموعه‌ای از مسائل و قواعد فقه و اصول.

در کلام: سیف الامة و برهان المله.

در اخلاق: معراج السعاده: از زمان نگارش آن تا به امروز یکی از بهترین کتابهای فارسی در اخلاق به شمار می‌آید. معراج السعاده در ادامه و تکمیل راه پدر و کتاب "جامع السعادات" او نگاشته شده است.

در دیگر علوم: حاشیه اکثر اژاد و ذوسیوس (ریاضی)، شرح محصل الهیئه (هیئت)، جامع المواعظ، رسائل و مسائل فی حل غوامض المسائل، الخزائن، دیوان طاق‌دیس.

بهاء‌الدین خرمشاهی درباره «دیوان طاق‌دیس» می‌گوید:

ملا احمد در عرفان نظری شیعه، که علی‌الخصوص از عهد صدر المتألهین و به همت او آمیخته‌ای از کلام و اخلاق و فلسفه و عرفان است، دست دارد و روحیه با نشاط عارفانه‌ای بر سراسر قصص و فصول مثنوی طاق‌دیس سایه گسترده و به گفتار او دلنشینی و ژرفی بخشیده است. پس از ملاصدرا، علمای بزرگ امامیه همه براین سیره بوده‌اند چنانکه فی‌المثل از ملا محسن فیض کاشانی و ملاعبد الرزاق لاهیجی گرفته تا حاج ملاهادی سبزواری و حاج میرزا حبیبی خراسانی و علامه طباطبایی و امام خمینی(ره) همه اخلاق و ادب و حکمت و عرفان و کلام را با هم دارند عبدالحسین زرین کوب در کتاب جدید الإنتشار در ادامه بخش جست‌وجو در تصوف ایران در باب جنبه عرفانی و ذوق ادبی ملا احمد چنین می‌نویسد:

تعدادی از فقه‌های این عصر هم بودند که با وجود شهرت به فقه و اجتهاد به سبب بعضی عوالم معنوی و ذوقی نزد طالبان عرفان هم مورد تکریم فوق‌العاده قرار می‌گرفتند و در حقیقت بی‌آنکه داعیه ارشاد داشته باشند احوال و اقوالشان آنها را از فقه‌های عامه متمایز می‌کرد. از این جمله حاجی ملا احمد نراقی که یک فقیه بزرگ عصر و صاحب تألیفات متعدد در فقه و اصول بود و ذوق شعری را با مشرب عرفانی جمع کرده بود و از این حیث احوالش یادآور احوال ملا محسن فیض در عصر صفوی محسوب می‌شد.

معراج السعاده وی احیاء کیمیای سعادت و تا حدی موافق با مشرب فیض و غزالی بود. وی در مثنوی طاق‌دیس و لسان‌الغیب خویش بعضی اقوال مولانا جلال‌الدین را با طرز بیانی که لحن فقیهانه‌اش آن را از آنچه صوفیه متداول است ممتاز می‌دارد، ادا می‌کند حتی مؤلف ریاض‌العارفین او را که در فقه و اجتهاد تالی و خلف پدرش حاجی ملا مهدی نراقی (وفات 1209) محسوب می‌شد در عداد شعرای عارف مسلک معاصر خویش نام می‌برد.

ملا احمد نراقی در بین علمای قرون اخیر از جایگاه خاصی برخوردار است وی در علوم مختلف، اصول فقه، حدیث، رجال، درای، ریاضیات، نجوم، حکمت، کلام، اخلاق، ادبیات و شعر سرآمد علمای زمان خود بوده است.

ملا احمد نراقی، این ستاره فروزان آسمان فقه و فقاہت در 23 ربیع‌الثانی سال 1245 قمری در اثر بیماری وبا که نراق و کاشان و اطراف آن را فراگرفته بود چشم از جهان فروبست. بدن مطهر او به نجف اشرف منتقل و در صحن علوی، جانب صحن مرتضوی و پشت سر مبارک مولی‌الموحدین علی‌بن ابی‌طالب(ع) و در کنار قبر پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.